

نکاتی راجع به نماز

کمتر آیه ای در قرآن راجع به کمیت نماز و مقوله ی رکعات آن است؛ مثل آیه ای که راجع به نقص نماز در سفر است. اما آیات قرآنی نماز عمدتاً راجع به کیفیت آن است. یکی از آن آیات این است: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون، ۲)؛ آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند.

خشوع یعنی حضور قلبِ توأم با تواضع، احترام و ادب. روح نماز خشوع در نماز است. زمانی این خشوع در ما ایجاد می شود که این جسم نماز، به مرحله ی روح نماز پیوند خورد. اگر خشوع در روح نماز پیدا شد، خشوع در اعضا هم حاصل می شود. یک نفر در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز می خواند و خودش را می خاراند (و حرکاتی که نشانه ی کم توجهی او به ذات مقدس ربوبی بود)، پیامبر فرمودند اگر قلبش خاشع بود اعضا و جوارحش هم خاشع می بود.

دستوراتی در این زمینه داده اند که یکی از راه های تحصیل عملی خشوع، آن است که آنقدر خداوند در نظر ما بزرگ جلوه نماید و دنیا آنقدر در نظر ما کوچک شود که نماز ما همراه با خشوع شود. امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ی متقین، بیش از صد ویژگی از اوصاف ایشان را بیان می فرمایند؛ از جمله این که: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ».

از آیات دیگر در ارتباط با کیفیت نماز این است که: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج، ۳۴). و آنان که همواره بر (شرایط ظاهری و معنوی) نمازهایشان محافظت دارند.

ما دو نوع محافظت داریم که هر دو باید مورد اهتمام قرار گیرد: محافظت بر شرایط ظاهری و محافظت بر شرایط باطنی. در شرایط ظاهری، حتماً علم به احکام صحت نماز فرادا و جماعت لازم است.

از جمله شرایط باطنی قبولی نماز پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ «وَبِمَوَالِئِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ»^۱. معنی ولایت یعنی «مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ»^۲. برخی شرایط

باطنی هم مانع قبولی نماز است؛ از جمله: عاق والدین بودن، و عدم رعایت حقوق مؤمنین. امام حسین علیه السلام فرمودند: من از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ أُخِذَ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳.

القیامه»^۳.

^۱- زیارت شریف جامعه ی کبیره

^۲- همان، فرازی دیگر

^۳- هر کسی بمیرد و برگردن او بدهکاری باشد خداوند در روز قیامت از حسناتش کم می کند. (احقاق الحق ج ۱۹ ص ۴۲۹). روشن است که اصل بدهکار شدن در شرایط نیاز واقعی عیب نیست ولی:

(۱) باید کوشید که به جهت امور کم ارزش و پوچ، زیر بار قرض نرفت.

(۲) در صورت قرض، باید نسبت به پرداخت آن دین اهتمام لازم را داشت و با بی تفاوتی نسبت به حق مردم برخورد نکرد.

(۳) دانست که با باقی ماندن دین و عدم پرداخت آن توسط وصی یا ورثه، این بدهی در قیامت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.